

ضمانت اجراهای کیفری حقوق شهروندی در نظام اداری جمهوری اسلامی ایران ۵۳

فصلنامه حقوق اداری

سال هشتم، تابستان ۱۴۰۰، شماره ۲۷

ضمانت اجراهای کیفری حقوق شهروندی در نظام اداری جمهوری اسلامی ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۵

شهناز جهانگیری^۱؛ نادر میرزاده کوهشاهی^۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۳

چکیده

یکی از ویژگی‌های اصلی قواعد حقوقی داشتن ضمانت اجرا است و بدون ضمانت اجراء کارکرد مؤثر خود را از دست می‌دهند. اگر اجرای قواعد حقوق شهروندی را به عنوان زیرمجموعه‌ای از حقوق عمومی، مستلزم داشتن ضمانت اجراهای مؤثر بدانیم، ناگزیریم پای‌بندی دولت‌ها را به این قواعد در میان ضمانت اجراهای آن جستجو کنیم؛ زیرا ضمانت اجرا پاسخی برای ناقضان قواعد حقوقی است که شامل انواع ضمانت اجراهای کیفری، مدنی، سیاسی، اداری، اخلاقی و مذهبی می‌شود. اصلی‌ترین حوزه تحقق حقوق شهروندی، دولت و عرصه خدمات عمومی است. مصادیق حقوق شهروندی در نظام اداری به‌طور خاص به یازده عنوانی بر می‌گردد که در ماده دوم از تصویب‌نامه منشور حقوق شهروندی در نظام اداری ذکر شده است. تقریباً در هیچ کجای نظام کیفری به صراحت در برابر این یازده مصداق، تضمین کیفری ذکر نشده است، لکن با بررسی و دقت در مفاهیم حقوق یاد شده از یک طرف و مطالعات مختلف در قوانین جزایی از طرف دیگر می‌توان موارد را با هم تطبیق داد و از این رهگذر ضمانت اجراهای کیفری را کشف و شفاف کرد. هدف این پژوهش، مطالعه ضمانت اجراهای کیفری حقوق شهروندی مقرر در مصوبه شورای عالی اداری درخصوص منشور حقوق شهروندی در نظام اداری به صورت تحلیلی توصیفی با شیوه کتابخانه‌ای است. نتایج موجود اثبات می‌کند منشور حقوق شهروندی در نظام اداری دارای ضمانت اجراهای کیفری متعددی است که ایفای وظایف دولت و دستگاه قضایی در این حوزه را مورد تاکید قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: حقوق شهروندی، منشور حقوق شهروندی، تصویب‌نامه منشور حقوق شهروندی، نظام اداری، ضمانت اجرای کیفری

۱. دانشجوی دوره دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. jahangiri.sh48@gmail.com

۲. استادیار گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ایران؛ (نویسنده مسئول)
mirzadeh@ut.ac.ir

مقدمه

وقتی موضوع حقوق شهروندی مطرح می‌شود، هدف مجموعه‌ای از حقوق است که در روابط بین شهروندان و حاکمیت موضوعیت دارند. این حقوق در کشور ما سابقه چندانی ندارد و در اولین مباحثات حقوقی در مورد حقوق شهروندی می‌توان به یکی از احکام مندرج در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اشاره کرد که در ماده ۱۳۰ قانون یاد شده، تکالیفی بر عهده قوه قضاییه گذاشته شده بود و از آن جمله «تدوین لایحه حفظ و ارتقاء حقوق شهروندی و حمایت از حریم خصوصی افراد» بود. موضوع حقوق شهروندی کمتر از بیست سال پیش در ادبیات حقوقی ما مطرح شد اما آن چنان که باید جان نگررفت تا اینکه در سال ۱۳۹۲ از سوی دکتر حسن روحانی، یکی از نامزدهای انتخاباتی ریاست جمهوری مطرح شد و سرانجام در سال ۱۳۹۵ و در قالب «منشور حقوق شهروندی» از سوی ریاست جمهور ابلاغ شد. در بهمن ماه ۱۳۹۵ در تکمیل منشور حقوق شهروندی، مصوبه شورای عالی اداری در خصوص منشور حقوق شهروندی در نظام اداری به تصویب رسید. هدف این مصوبه این بود که ضمن معرفی حق‌های شهروندی مرتبط با نظام اداری، به تحقق حقوق یاد شده در نظام اداری کمک کند. از جمله موضوعات کلیدی که می‌توان با بررسی آن به میزان تحقق‌پذیری حقوق شهروندی در نظام اداری پی برد، مسأله ضمانت اجرای مختلف حقوق شهروندی در نظام اداری است. در این میان ضمانت اجرای کیفری در زمره مؤثرترین ضمانت اجراها محسوب می‌شوند. به همین دلیل در این مقاله تمرکز بر ضمانت اجرای اخیر است و در این مقاله به دنبال پاسخ این پرسش هستیم که چه ضمانت اجرای کیفری تضمین کننده مفاد منشور حقوق شهروندی در نظام اداری هستند؟

شیوه و روش تحقیق مقاله تحلیلی-توصیفی و با استفاده از کتاب‌ها، مقالات و اسناد مختلف انجام شده است. نگارندگان به دنبال مصادیق ضمانت اجرای کیفری منشور حقوق شهروندی در نظام اداری هستند.

بر اساس آنکه موضوع این پژوهش، مطالعه ضمانت اجرای کیفری سند خاصی به نام منشور حقوق شهروندی در نظام اداری است؛ لذا باید در نظر داشت عمده‌ترین مفاهیم در این مطالعه شامل مفاهیم شهروندی و حقوق شهروندی، منشور حقوق شهروندی، تصویب‌نامه منشور حقوق شهروندی، ضمانت اجرای کیفری می‌شوند.

از دیدگاه برخی نویسندگان، شهروند یعنی فردی والا و حاضر برای فعالیت‌های مختلف و حتی تصدی مناصب مختلف. (فالكس، ۱۳۸۱: ۴۴) که این تعریف در نظر آنتونی گیدنز جامعه‌شناس چپ‌گرا تبدیل به عضو یک اجتماع سیاسی می‌شود که دارای حقوق و وظایفی در ارتباط با این عضویت است. (حسین‌آبادی و تقوایی، ۱۳۸۸: ۳) باید گفت شهروندی مدرن، دست‌آورد انقلاب کبیر فرانسه است. (ترنر، ۱۳۸۶: ۱۶۱) در

۵۵ ضمانت اجراهای کیفی حقوق شهروندی در نظام اداری جمهوری اسلامی ایران

شهروندی مدرن افراد علاوه بر ویژگی‌های بالا دارای حقوق مساوی هستند و موضوع حقوق و آزادی‌های فردی دغدغه مهم دولت‌هاست و حقوق شهروندی جزء لاینفک جامعه مدنی و مبنای تشکیل آن به‌شمار می‌رود، (Turner, 1994: 381) چرا که امکان مشارکت داوطلبانه همه افراد را در تمام عرصه‌های اجتماعی فراهم می‌سازد. بنابراین، در گذر از جوامع سنتی به مدرن تغییراتی در جهت تحقق حقوق شهروندی در سطوح فردی و ساختاری پدید می‌آید (هزارجریبی و امانیان، ۱۳۹۰: ۳) در ساختار زبانی، «شهروند» مرکب از دو کلمه «شهر» به معنای جامعه انسانی و «وند» به معنای وابسته به این جامعه و از واژه لاتین Civitas مشتق شده است. (بیرانوند و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۷) امروزه شهروند اصطلاحی است که با نفوذ حقوقی مدرن و تلقی‌های جدید مفهوم وسیعی یافته و مترادف تمام اتباع یک کشور به کار می‌رود و مصادیق آن آزادی، مالکیت و امنیت است. (ساعی ارسی، ۱۳۹۱: ۱۶۵) دولت مدرن از افرادی با حقوق برابر تشکیل شده است و هیچ‌کس اقتداری بر دیگری ندارد و کل اعضای جامعه در تکوین اراده عمومی که یگانه سرچشمه اقتدار مشروع است، شرکت می‌کنند. (عالم، ۱۳۸۵: ۱۹۹) می‌توان گفت در حقوق شهروندی، مفهوم حقوق ابتدا با مفهوم آزادی شهروندی گره خورده است. در نگاهی مدرن به حقوق شهروندی، آزادی شهروندی به عنوان نقطه شروع استقلال طبیعی انسان، با رهایی شهروند از اسارت اراده‌های فردی و اطاعت وی از قوانین مدنی تحقق می‌یابد. (Schlangen, 1973: 168) تعداد زیادی از حقوقدانان صفات و ویژگی‌های مشترکی برای حقوق شهروندی قائلند (اکبری، ۱۳۹۷: ۱۸) و این حقوق را جزء حقوق بنیادین و اولیه انسان می‌دانند یعنی حقوقی که وجود آن مایه قوام و نبود آنها، موجب زوال شخص یا شخصیت انسان می‌شود. (کریمی و کامیار، ۱۳۹۶: ۴۴) این تعریف اطلاقی عام است بر مجموعه امتیازات مربوط به شهروندان و نیز مجموعه قواعدی که بر موقعیت آنان در جامعه حکومت می‌کند. لذا شهروندی فراتر از مفهومی تحت عنوان تابعیت می‌یابد. (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۲۶)

۱. منشور حقوق شهروندی

وقتی دولت ایران در سال ۱۳۴۷، میثاقین بین‌المللی «حقوق مدنی و سیاسی» و «حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» مصوب ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد را امضا کرد و پس از چندی در سال ۱۳۵۴، مجلس شورای ملی، قوانین الحاق دولت ایران به میثاقین یاد شده را به تصویب رساند، عملاً حقوق بشر و شهروند وارد ترمینولوژی حقوقی ما شد. (فلاح‌زاده، ۱۳۸۶: ۵۲) با این حال، بیشتر به دلایل سیاسی، نظام حقوقی کشور ما چندان با مفاهیم مربوط به حقوق بشر به خصوص با توجه به هنجارهای پذیرفته شده جامعه جهانی آشنایی نداشت و به همان دلایل پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز، مفهوم حقوق بشر، جای

خود را در مباحث داخلی و آکادمیک به «حقوق شهروندی» داد. بر این اساس، عبارت «حقوق شهروندی» تا مدت‌ها به جای مصداق‌های «حقوق بشر» به کار می‌رفت.

بخشنامه رئیس قوه قضاییه و تصویب «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» در سال ۱۳۸۳ اسناد انگشت‌شماری هستند که از مفهوم حقوق شهروندی استفاده کردند ولی رسماً به حقوق خاصی از بخش محدودی از شهروندان تاکید داشتند. در سال ۱۳۸۳ عبارت «حقوق شهروندی» با حکم مواد ۱۰۰ و ۱۳۰ قانون برنامه پنج‌ساله چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی وارد گفتمان رسمی هنجارهای حقوقی ایران شد که در آن دولت و قوه قضاییه موظف به تنظیم و تصویب «منشور حقوق شهروندی» و «لایحه حفظ و ارتقاء حقوق شهروندی و حمایت از حریم خصوصی افراد» شده بودند. می‌توان گفت کل بضاعت متون حقوقی ایران تا سال ۱۳۹۲ درباره حقوق شهروندی همین اسناد است. (سلیمی، ۱۳۹۷: ۱۱۹) در حال حاضر منشور حقوق شهروندی جمهوری اسلامی ایران سندی ۱۲۰ ماده‌ای مستند بر قانون اساسی ایران و از مهمترین اسناد حقوق شهروندی ایرانیان است که در تاریخ ۱۳۹۵/۹/۲۹ از سوی رئیس‌جمهور وقت امضاء شد و چند ماه بعد تصویب نامه ۱۹ ماده‌ای آن در نظام اداری هم تصویب و ابلاغ شد.

۲. ماهیت هنجاری منشور حقوق شهروندی

علی‌رغم صدور این منشور در مورد ماهیت هنجاری این منشور و جایگاه آن در سلسله مراتب هنجارهای حقوقی در بین حقوقدانان اختلاف زیادی است. در ابتدا باید در نظر داشت طبق یکی از نظریات حقوقی که به نام نظریه حقوقی محض معروف است، هر قاعده حقوقی‌شان خود را از قاعده مافوق اخذ می‌کند و ضرورت تبعیت از آن را در پناه اعتباری توجیه می‌گردد که قاعده مافوق به او اعطا می‌کند. (شریف، ۱۳۸۱: ۵۹) در این شبکه تنیده شده از قوانین است که قاعده حقوقی یا هنجار شکل گرفته و جایگاه خود را می‌یابد. از این رو باید گفت قاعده حقوقی یا هنجار، «قاعده‌ای الزام‌آور» است که به منظور ایجاد نظم و استقرار عدالت، بر زندگی اجتماعی انسان حکومت می‌کند و اجرای آن از طرف دولت تضمین می‌شود. (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۵۸) ارتباط بین عدالت و هنجار حقوقی، همانقدر وثیق است که ارتباط بین نظم اجتماعی و سلسله مراتب هنجارهای حقوقی یک نظام حقوقی، زیرا جایگاه هنجار حقوقی در سلسله مراتب است که تعیین می‌کند نظم حقوقی در یک کشور چگونه شکل بگیرد.

از این رو تضمین حقوق و آزادی‌های بنیادین در گرو معین بودن صلاحیت‌های هنجارسازی در چهارچوب سلسله مراتب هنجارها در نظم حقوقی است، چرا که پایبند بودن هنجارهای مادون به هنجارهای مافوق، خود عامل بازدارنده‌ای در مقابل تعهدات و تجاوزها و سوءاستفاده‌های شخصی از حقوق تفویضی

۵۷ ضمانت اجراهای کیفری حقوق شهروندی در نظام اداری جمهوری اسلامی ایران

مردم است. عدم رعایت سلسله مراتب هنجارهای حقوقی، از یک سو چهارچوب های نظام حقوقی را به لغزش می اندازد و آن را از معنا تهی می سازد و از سوی دیگر بی اعتمادی افراد جامعه به نظام سیاسی و حقوقی و در نهایت ناهنجاری اجتماعی را به دنبال خواهد داشت. (زادعیسی، ۱۳۸۸: ۱۱)

از این نظریات حقوقی که وارد دنیای هنجارهای حقوقی ملی ما می شویم، متأسفانه با آشفتگی هایی روبرو هستیم که در طی سالیان دراز تبدیل به یکی از مختصات نظام حقوقی کشور شده است. این آشفتگی ها در برخی موارد به اندازه ای زیاد است که به عقیده برخی حقوقدانان کیفیت، چگونگی و لزوم رعایت سلسله مراتب هنجارهای حقوقی در نظام حقوقی ایران دارای شفافیت زیادی نیست و علت آن را باید در سکوت، اجمال و همچنین قواعد حقوقی تازه ای یافت که در نظام حقوقی ایران وضع می شود. (زادعیسی، ۱۳۸۸: ۱۲) عدم شفافیت ها و تردید و ابهام زمانی قوت می گیرد که رویه عملی نهادهای حکومتی و دولتی با اصطلاحاتی همچون سیاست گذاری، خط مشی دولت، تصمیمات، مصالح، مصوبات شورای سران سه قوه و نظایر آن، مخلوط شده و باعث ایجاد رویه یا هنجارهایی می شود که حتی مشخص نیست جنس و ماهیت آنها چیست و در کجای سلسله مراتب هنجاری در نظام حقوقی ما قرار گرفته اند. مصوبات سران سه قوه، مصوبات ابداعی مجمع تشخیص مصلحت نظام و منشور حقوق شهروندی از این دسته هنجارها یا اسناد به شمار می رود که قصد در مقاله حاضر، پرداختن به این اختلافات علمی و حقوقی نیست.

همچنین باید متوجه بود علاوه بر ابهام در جایگاه منشور حقوق شهروندی در سلسله مراتب حقوقی کشور، برخی نویسندگان معتقدند چون ماهیت این سند مشخص نیست که آیا هم ردیف قانون اساسی یا گونه ای متمم آن، مصوبه هیات وزیران، اعلام خط مشی دولت یا از جنس و ماهیت دیگری از جمله تفسیر قانون یا تصویب نامه یا بخشنامه دولتی است، (سلیمی، ۱۳۹۵: ۲۳-۲۴) پس لاجرم تأثیرگذاری و ضمانت اجراهای آن هم در عرصه های مختلف حقوقی متفاوت است. عده ای اعتقاد دارند در کشور ما به دلیل ساختار هنجارهای حقوقی مشخص شده و همچنین تدوین فصل سوم قانون اساسی به عنوان حقوق ملت، منشور حقوق شهروندی به عنوان یک سند مجزا، جایگاه تعریف شده ای در سلسله مراتب هنجارهای حقوقی کشور ندارد و بیشتر، جنس و ماهیت آن، همان است که در بطن منشور از آن یاد شده یعنی اعلام «برنامه خط مشی دولت» مطابق اختیارات ریاست جمهور در اصل ۱۱۳ قانون اساسی. (سلیمی، ۱۳۹۵: ۲۱) از این رو منشور را باید بیان مجموعه ای از مهمترین حقوق شهروندی دانست که دولت تلاشی جدی برای اجرای آنها دارد.

البته در متن منشور نیز به این مهم اشاراتی رفته است. از جمله در بند ۱-۶ پیش نویس منشور آمده: این منشور «برنامه و خط مشی» دولت است و... صرفاً بیان مجموعه ای از مهمترین حقوق شهروندی

است... دولت با توجه به مفاد این منشور از طریق پیگیری خطمشی و برنامه اصلاح و توسعه نظام حقوقی و تدوین و پیگیری تصویب لوایح قانونی... تلاشی جدی و فراگیر ... خواهد داشت. در مقدمه متن نهایی نیز در دو جمله به «خط مشی و برنامه‌ای بودن» منشور حقوق شهروندی تأکید شده است. به نظر می‌رسد برخوردی این‌چنینی با منشور حقوق شهروندان و فروکاستن آن در حد یک برنامه دولتی، کاستن از شأن و اعتبار شهروندان یک کشور در نزد خود، قوای حاکمه و جامعه بین‌المللی است.

نظر دوم می‌گوید اگر چه منشور حقوق شهروندی حاوی موادی است که ریشه در قانون اساسی دارند و حتی برخی مواد آن تکراری هستند ولی باز هم یک گام رو به جلو محسوب می‌شود و قابل تقدیر است. (داداندیش و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۷۶) این دسته می‌گویند: اصول حقوق شهروندی ایجاب می‌کند تا نظام اداری بر اساس رعایت حقوق یک شهروند پایه‌گذاری شده و حقوق شهروندی به عنوان رکن اصلی برآورده شدن آرمان‌های یک جامعه، نیاز به توجه قانون‌گذار و گنجاندن آن در نظام اداری کشور دارد. (سلیمی، ۱۳۹۶: ۸۲)

از دیدگاه این نویسندگان تا زمانی که منشور به صورت قانون در نیاید؛ نتیجه عملی و بیرونی ندارد و فقط توقع مردم را افزایش داده اما در واقع فایده اجرایی ندارد. در حالی که تصویب قانون مربوط به حقوق شهروندی می‌تواند حقوق شهروندان را کاملاً مشخص کند.

۳. تصویب‌نامه حقوق شهروندی در نظام اداری

تصویب‌نامه حقوق شهروندی در نظام اداری که پس از منشور تهیه، تدوین و تقدیم شد؛ در واقع برداشتی اداری از متن سند منشور حقوق شهروندی است که به‌طور اخص به مطالبات شهروندان در نظام اداری و سطح همه دستگاه‌های اجرایی پرداخته است. هدف اصلی این مصوبه، «رفع تبعیض و ایجاد نظام اداری پاسخگو و کارآمد با هدف بهبود و ارتقای سطح حقوق شهروندی، بهره‌مندی شهروندان از ظرفیت‌های ایجاد شده، تسهیل در تحقق اهداف سیاست‌های کلی نظام اداری و ارتقاء حقوق شهروندی مصرح در منشور حقوق شهروندی» عنوان شده است. شورای عالی اداری این تصویب‌نامه را در ۱۹ ماده و در تاریخ ۱۳۹۵/۱۲/۲۸ به شماره ۱۱۲۷۱۲۸ تصویب و توسط رئیس جمهور به‌عنوان رئیس شورای عالی اداری ابلاغ شد.

عمده‌ترین حقوق شهروندی مصرح در تصویب‌نامه فوق به صیانت از حقوق شهروندان در نظام اداری از جهت عدم تبعیض، اصلاح نظام اداری، کرامت مراجعان، حقوق ارباب رجوع در جنبه‌های مختلف از قبیل حق دانستن و دسترسی به اطلاعات آزاد، پاسخگوئی، شفافیت و غیره برمی‌گردد.

۵۹ ضمانت اجراهای کیفری حقوق شهروندی در نظام اداری جمهوری اسلامی ایران

این تصویب‌نامه دایره شمول را مشخص کرده و همچنین علاوه بر راهکارها و ضمانت اجراهای مختلف اداری، حسب ماده ۱۹ به صراحت تحت عنوان «ضمانت اجراء» در مورد نقض یا عدم رعایت حقوق و الزامات مندرج در این مصوبه و حتی دستورالعمل‌های آن، اقدام حسب ماده ۲۰ از آئین‌نامه اجرائی قانون رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان دولت (میرحسینی، ۱۳۷۸: ۲۸۹) را دستور داده است و با تطبیق موارد نقض حقوق شهروندی که جنبه کیفری دارد با قوانین کیفری از جمله مجازات اسلامی می‌توان ضمانت اجراهای کیفری نیز برای آن شناسایی نمود.

۴. ضمانت اجرا

ضمانت اجرا قسمتی از قدرت عمومی است که به ضرورت عکس‌العمل علیه ناقض قانون جلوه می‌کند» (لنگرودی، ۱۳۸۷: ۸۵). و وجه امتیاز حقوق از سایر قواعد اجتماعی است و اثری است که در نتیجه مخالفت با قانون دامن‌گیر شخص می‌شود. (راسخ، ۱۳۸۸: ۵۲)

ضمانت اجرا یکی از ویژگی‌های حقوق است و همین صفت، قاعده حقوقی را از سایر قواعد اجتماعی، مانند اخلاق و مذهب، ممتاز می‌سازد. (حیاتی، ۱۳۹۶: ۱۳) عده‌ای نیز معتقدند باید بین مفهوم «ضمانت اجرا» و «تضمین» حقوق تفاوت قائل شد. به گفته آنان ضمانت اجرا، واکنش حقوقی نسبت به نقض و عدم رعایت موارد حقوقی و قانونی است (Drapper, 1982: 323) ولی «تضمین»، به معنی ابزارها و جریان‌های شناخته‌شده اجرایی و حقوقی است که به منظور نظارت رعایت آن حقوق طراحی شده و نقش پیشگیرانه درباره نقض موارد حقوقی دارند. (بی‌پروا، ۱۳۹۷: ۹۰) در عالم حقوق ضمانت اجراء انواع مختلفی اعم از کیفری، انضباطی، مدنی، اداری و انتظامی دارد.

۴-۱. ضمانت اجراهای کیفری

ضمانت اجرای کیفری، مجازاتی است که قانون برای فرد متخلف از قوانین در نظر گرفته است، بدین ترتیب که اگر کسی مرتکب جرمی شود، به مجازات مقرر آن جرم محکوم خواهد شد و با این وسیله اجرای قوانین کیفری تضمین می‌شود. اجمالاً اجباری که با ضمانت اجرای کیفری همراه است به صورت‌های، حبس، تبعید درباره فرد، غرامت، مصادره اموال در رابطه با اموال و دارائی وی متجلی می‌شود.

به علاوه تناسب، اثر بخشی، در نظر گرفتن شخصیت طرف رابطه، کارایی، محیط و ... از جمله عناصری هستند که هنگام وضع تضمینات کیفری مختلف باید مدنظر قرار گیرند. در مقاله به دنبال این هستیم که ضمانت اجراهای کیفری را در برابر نقض حقوق شهروندان در سیستم اداری مطالعه کنیم.

۲-۴. حقوق شهروندی در سیستم کیفری

قانون‌گذار ایران مفاهیم حقوق شهروندی را در قوانین مختلف به شکلی مطلوب گنجانده و این امر موجب شده قوانین کشورمان در ردیف مترقی‌ترین قواعد حقوقی و هم‌سنگ قوانین کشورهای توسعه یافته قرار داده شود؛ به‌ویژه در دهه اخیر متون قانونی اعم از قانون مجازات اسلامی و قانون آئین دادرسی کیفری به عنوان یکی از سیاست‌هایی که شالوده و بنیان نظام عدالت کیفری ایران را تشکیل می‌دهند؛ در لابه‌لای مواد خود تلاش‌های شایان ذکری در رعایت حقوق شهروندی داشته‌اند.

در تاریخ ۲۳ مهر ۹۹ سند امنیت قضایی در ۳۷ ماده توسط رئیس قوه قضائیه ابلاغ شد که از اهداف مهم آن می‌توان به ایجاد اطمینان در بین شهروندان برای تأمین حقوق شهروندی و آرامش خاطر شهروندان از عدم تضییع حقوق بنیادین آنان در جامعه اشاره نمود (سایت قوه قضائیه، ۲۴ مهر ۹۹). ابلاغ این سند در ادامه سند منشور حقوق شهروندی برای تحقق حقوق افراد در جامعه بسیار امری نیک و ارزنده است.

غایت مطلوب در امور کیفری اجرای سریع و صحیح عدالت و احیای حقوق و آزادی‌های از دست رفته است. اگر مقامات عمومی خود از طریق دعاوی جزایی به تعمد یا تساهل مرتکب نقض و نادیده گرفتن حقوق و آزادی‌های شهروندان گردند، دیگر نه تنها بر عدالت، انصاف و آزادی بلکه بر سایه‌های این مفاهیم نیز چشم امید بر بست (علیدوستی، ۱۳۸۸: ۴۴)

ضرورت حمایت از حقوق شهروندی از جنبه کیفری به اندازه‌ای اساسی است که در اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی مورد توجه خاص واقع شده و تدابیر و تضمین‌های ویژه‌ای درباره آن پیش‌بینی شده است. تا آن جا که به امور جزایی مربوط می‌شود، اسناد مزبور جنبه‌های گوناگون حقوق و آزادی‌های شهروندان را بر شمرده و احصاء کرده‌اند.

مصادیق حقوق شهروندی به‌طور خاص به یازده عنوانی بر می‌گردد که ماده دوم از فصل دوم مصوبه منشور حقوق شهروندی در نظام اداری ذکر کرده است. با بررسی و تدقیق در مفاهیم ماده ۲ از یک طرف و قوانین جزایی از طرف دیگر می‌توان ضمانت اجراهای کیفری متعددی برای حقوق یاد شده در تصویب‌نامه کشف و شفاف کرد. اگر چه باید دانست اصل مضیق بودن قوانین کیفری هم قابل ملاحظه است و توسعه و تشریح جرائم به هیچ روی پسندیده نیست.

۳-۴. تضمینات حقوق شهروندی مندرج در قانون مجازات اسلامی

اصول ۲۴، ۲۲، ۳۱، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸ و ۳۹ قانون اساسی که از موارد مهم تحقق حقوق شهروندی می‌باشد که به صورت عام یا خاص در قانون مجازات اسلامی جدید هم انعکاس دارند؛ زیرا هر جامعه‌ای

ضمانت اجراهای کیفری حقوق شهروندی در نظام اداری جمهوری اسلامی ایران ۶۱

برای ادامه بقاء و حفظ نظم و آرامش در میان شهروندان خود نیاز به قوانینی دارد که متناسب با فرهنگ و نظام حقوقی و قضایی آن جامعه باشد.

قانون مجازات اسلامی بر اساس اصل ۸۵ قانون اساسی تصویب شد و در تدوین و شیوه نگارش آن نگاه علمی و نظم منطقی در موضوعات و همچنین رویکردهای نو ظهور در سیاست‌های کنونی و دیدگاه‌ها، آراء وحدت رویه و نظریات مشورتی و انطباق آنها با مبانی فقهی لحاظ گردیده است. (فلاح، ۱۳۹۵: ۷۸) این قانون در حفظ حقوق شهروندی نیز پیشرفت قابل ملاحظه‌ای داشته است، بنابراین قانون جدید چنانچه به درستی اجرا شود می‌تواند در حفظ حقوق شهروندی تأثیر به‌سزایی بگذارد. از موارد دیگر حفظ حقوق شهروندی در این قانون، نظام نیمه آزادی و آزادی مشروط و همچنین چند مرحله‌ای شدن کیفر می‌باشد که واجد اهمیت بسیاری است. با توجه به شیوه نوین نگارش این قانون سعی شده است بحث‌های حقوق بشری، در نظر گرفته شود که منافاتی هم با فقه ما ندارد و جایگاه نظام حقوقی کشور ما را تحکیم می‌کند.

۴-۴. تضمینات حقوق شهروندی در آئین دادرسی کیفری

شکل‌گیری فرآیند دادرسی کیفری بر پایه اصول و مبانی خواهد بود که نه تنها استمرار و جریان قانونمند این فرآیند را به‌دنبال خواهد داشت، بلکه صحت و اعتبار تحقیقات و ادله جمع‌آوری شده در این فرآیند را برای تحقق حقوق شهروندی تضمین خواهد کرد. اگر از جنبه عینی و واقعی، مسئولیت کیفری را التزام شخص نسبت به تحمل آثار جزایی رفتار مجرمانه خود قلمداد نماییم (میرسعیدی، ۱۳۹۰: ۲۱) عدم رعایت اصول بنیادین رسیدگی‌های کیفری نیز می‌تواند چنین التزام و مسئولیت کیفری را به‌دنبال داشته باشد، چرا که نقض این اصول به مفهوم تحقق رفتار مجرمانه‌ای قلمداد می‌شود که از سوی قانونگذار، جرم انگاری و دارای ضمانت اجرای کیفری دانسته شده است. تعیین مجازات برای عدول از این اصول بنیادین، بیانگر اهمیت آنها در سیاست کیفری و تلاش قانونگذار برای حمایت کیفری از آنهاست. (عباسی، ۱۳۹۸: ۲۱)

مهم‌ترین اصول تضمین‌کننده حقوق شهروندی از جمله اصل برائت، اصل تساوی افراد در برابر دادگاه و محاکمه منصفانه و علنی در دادگاه صالح، مستقل و بی‌طرف، اصل داشتن وکیل، اصل منع شکنجه، اصل مستند بودن حکم به قانون و اصل قانونی بودن جرم و مجازات در متن قانون آئین دادرسی کیفری آمده است.

قاعده «قیح عقاب بلا بیان» از قواعد مهم شرعی و مترادف فقهی دینی اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌هاست. (سهراب‌زاده و زراعت، ۱۳۹۵: ۱۸) در آیین دادرسی کیفری، هم اقدامات و رسیدگی‌ها و هم سایر موارد باید طبق مقررات و اصول قانونی باشد و این استدلال که این اصل بر مجازات‌های تسمیمی و تکمیلی و تأمینی و تربیتی مترتب نمی‌باشد پذیرفتنی نیست. (خالقی، ۱۳۹۶: ۸) استقلال قاضی در رسیدگی

و صدور رأی دارای اهمیت است... وقتی قاضی استقلال نداشته باشد باعث می‌شود که از نظر اداری، تابع دستوراتی شود که قانون را رعایت نکند. (آشوری، ۱۳۸۶: ۲۱۲) بنابراین تشکیل دادگاه‌های خاص امری است استثنایی و خلاف قاعده که توسعه آن نقض عدالت و انصاف به شمار می‌رود. همان‌طور که تساوی افراد در برابر دادگاه ضروری است، تساوی دادگاه در برابر شهروندان هم علی‌القاعده ضروری است. (روشن، ۱۳۹۳: ۷۳)

۵. ضمانت اجرای کیفری منشور حقوق شهروندی در نظام اداری

مجازات‌های کیفری که با تطبیق بر مصادیق یازدگانه منشور حقوق شهروندی در نظام اداری می‌توان احصاء نمود به شرح ذیل است:

۵-۱. ضمانت کیفری حق برخورداری از کرامت انسانی و رفتار محترمانه و اسلامی

تکریم انسان‌ها به عنوان برترین مخلوقات خداوند یک حق مسلم شهروندی است. عدم رعایت تکریم در فضایی که منجر به توهین، پرخاش و از آن بدتر فحاشی شود، جرم‌انگاری شده و قابل تعقیب و مجازات است.

«توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنانچه موجب حد قذف نباشد به مجازات شلاق تا (۷۴) ضربه و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود.» (ماده ۶۰۸ ق.م.ا) «هر کس در اماکن عمومی یا معابر متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود یا با الفاظ و حرکات مخالف شوون و حیثیت به آنان توهین نماید به حبس از دو تا شش ماه و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.» (ماده ۶۱۹ ق.م.ا) «هر کس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله درج در روزنامه و جرائد یا نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگر به کسی امری را صریحاً نسبت دهد یا آن‌ها را منتشر نماید که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می‌شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید جز در مواردی که موجب حد است به یک ماه تا یک سال حبس و تا (۷۴) ضربه شلاق و یا یکی از آنها حسب مورد محکوم خواهد شد.» (ماده ۶۹۷ ق.م.ا) «هر کس ... به وسیله نامه یا شکواییه یا مراسلات یا عرایض یا گزارش یا توزیع هرگونه اوراق چاپی یا خطی با امضاء یا بدون امضاء اکاذیبی را اظهار نماید... اعم از اینکه از طریق مزبور به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا نه علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان، باید به حبس از دو ماه تا دو سال و یا شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم شود.» (ماده ۶۹۸ ق.م.ا)

مفاد ماده ۲۰ و ۳۳ قانون مطبوعات در خصوص حفظ کرامت افراد نیز نقش تضمینی دارد:

ماده ۳۰: «انتشار هر نوع مطلب مشتمل بر تهمت یا افتراء یا فحش و الفاظ رکیک یا نسبت‌های توهین‌آمیز و نظایر آن نسبت به اشخاص ممنوع است. مدیر مسئول جهت مجازات به محاکم قضایی معرفی

ضمانت اجراهای کیفری حقوق شهروندی در نظام اداری جمهوری اسلامی ایران ۶۳

می‌گردد و تعقیب جرائم مزبور موکول به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت استرداد شکایت تعقیب در هر مرحله‌ای که باشد متوقف خواهد شد».

۲-۵. حق برخورداری از اعمال بی طرفانه قوانین و مقررات

در خصوص ضمانت کیفری این حق شهروندی و ۷ بند ذیل آن با عنایت به اینکه پیاده کردن قوانین و مقررات موضوعه، بدون جانبداری و رعایت کامل اصل بی طرفی همانا ریشه در بستر عدالت، برابری و مساوات دارد. ماده ۲ قانون آئین دادرسی کیفری بیان می‌دارد:

«دادرسی کیفری باید مستند به قانون باشد، حقوق طرفین دعوی را تضمین کند و قواعد آن نسبت به اشخاصی که در شرایط مساوی به سبب ارتکاب جرائم مشابه تحت تعقیب قرار می‌گیرند، به صورت یکسان اعمال شود.» وقتی برای افراد مرتکب جرم، توصیه به اعمال یکسان قانون شده به طریق اولی برای شهروندانی که به دنبال حقوق خود در ادارات دولتی هستند؛ باید قوانین بدون تبعیض و بی طرفانه اجرایی شود. همچنین ماده ۳ قانون آئین دادرسی کیفری می‌گوید: «مراجع قضائی باید با بی طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه‌ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرآیند دادرسی کیفری می‌شود، جلوگیری کنند.»

با وجود مراتب فوق به نظر می‌رسد که خروج از بی طرفی در نظام اداری امری است که در قوانین ما جرم انگاری نشده و مجازات ندارد. بنابراین در صورت اثبات، تخلف است نه جرم. از طرف دیگر مفهوم اعمال بی طرفانه قوانین و مقررات بسیار موسع بوده و شاید موجب طرح ادعاهای متعدد و متکثر باشد که در ماهیت ناشی از توقعات شهروندان است. بنابراین شاید معنای معکوس این حق برای تبیین ضمانت اجرای کیفری کمک کند. یعنی برخورداری از اعمال بی طرفانه قوانین و مقررات، حق شهروندان است اما کارمندی که این حق را اعمال نمی‌کند؛ مرتکب سوء استفاده از جایگاه اداری خود شده است. «چنانچه هر یک از صاحب منصبان و مستخدمین و مأمورین دولتی و شهرداری‌ها در هر رتبه و مقامی که باشند از مقام خود سوء استفاده نموده و از اجرای اوامر کتبی دولتی یا اجرای قوانین مملکتی و یا اجرای احکام یا اوامر مقامات قضائی یا هر گونه امری که از طرف مقامات قانونی صادر شده باشد جلوگیری نماید به انفصال از خدمات دولتی از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد.» (ماده ۵۷۶ ق.م.ا)

با وجود مواد قانونی یاد شده شرط اثبات برای اجرای مجازات بسیار مهم است. هر چند در بندهای ذیل ماده ۴ حقوق شهروندی مصادیقی ذکر شده که با دقت در کلمات آنان می‌توان برای این ماده نیز ضمانت کیفری شناسایی نمود از جمله در بند ۲ ماده یاد شده اعلام گردیده: «دستگاه‌های اجرایی مجاز به مطالبه مدارک یا اطلاعاتی، اضافه بر آنچه در قوانین و مقررات پیش‌بینی شده از مراجعین نیستند و نباید

هزینه‌ای، بیش از آنچه در قوانین و مقررات تصریح گردیده دریافت کنند. در مواردی که مطابق مقررات، باید هزینه‌ای دریافت شود، مراتب با ذکر مستند قانونی به مراجعین اعلام گردد».

این بند در صورتی که خلاف آن عمل شود می‌تواند مصداق ماده ۵۹۰ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی قرار گیرد. ماده یاد شده اشعار می‌دارد «اگر رشوه به صورت وجه نقد نباشد، بلکه مالی بلاعوض یا به مقدار فاحش ارزان‌تر از قیمت معمولی یا ظاهراً به قیمت معمولی و واقعاً به مقدار فاحشی کمتر از قیمت به مستخدمین دولتی اعم از قضائی و اداری به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم منتقل شود یا برای همان مقاصد مالی به مقدار فاحشی گران‌تر از قیمت از مستخدمین یا مأمورین مستقیم یا غیر مستقیم خریداری گردد، مستخدمین و مأمورین مزبور مرتشی و طرف معامله راشی محسوب می‌شود.

۳-۵. حق مصون بودن از تبعیض در نظام‌ها، فرآیندها، تصمیمات اداری

به حکایت مصوبه حقوق شهروندی در نظام اداری، مفهوم مصونیت از تبعیض در نظام اداری در سه مقوله زیر تبیین شده است:

«دستگاه‌های اجرایی باید فرآیند و رویه مشخص و اعلام شده‌ای برای ارائه خدمات خود داشته باشند و آن را به‌طور یکسان نسبت به همه مراجعین رعایت کنند.

مدیران و کارکنان دستگاه‌های اجرایی باید تصمیمات و اقدامات خود را مستند به قوانین و مقررات مربوط انجام دهند و از هرگونه تبعیض یا اعمال سلیقه در اجرای قوانین و مقررات اجتناب نمایند.

کارکنان دستگاه‌های اجرایی در همه سطوح باید در اعمال صلاحیت‌ها و اختیارات اداری خود نظیر احراز صلاحیت‌ها، جذب نیرو، صدور مجوزها و نظایر آن بدون تبعیض عمل کنند».

بنابراین آیا فردی که در حوزه مسئولیت خود فرآیند مشخصی برای اقدامات اداری ندارد و اعمال سلیقه شخصی او بر قانون اولویت دارد مرتکب جرم شده و ضمانت اجرای کیفری دارد؟ توجه به حق مصون بودن از تبعیض در نظام‌ها، فرآیندها و تصمیمات اداری بسیار مهم و حیاتی است.

در دستگاه‌های اجرایی چنانچه فرآیندها شفاف نباشد و کارکنان از شاهره قانون به مسیر انحرافی شخص‌نگری و منفعت‌جویی بروند نتیجه آن رشوه و مطالبه وجوه غیر قانونی خواهد بود که در قانون به نام رشوه شناخته شده و جرم است.

مطابق ماده ۳ و ۴ قانون تشدید و همچنین مواد ۵۸۸ تا ۵۹۴ قانون مجازات اسلامی برای راشی و مرتشی حبس و جزای نقدی تعیین شده است. مطابق ماده ۵۸۸ ق.م.ا. برای داوران، میزبان و کارشناسان چنانچه در مقابل اخذ وجه یا مال به نفع یکی از طرفین اظهار نظر یا اتخاذ تصمیم نماید به حبس از شش

۶۵ ضمانت اجراهای کیفری حقوق شهروندی در نظام اداری جمهوری اسلامی ایران

ماه تا دو سال یا مجازات نقدی از سه تا دوازده میلیون ریال محکوم و آنچه گرفته است به عنوان مجازات مؤدی به نفع دولت ضبط خواهد شد.

بنابراین اگر چه ظاهر بند سوم از ماده دوم مصوبه حقوق شهروندان در نظام اداری چنان است که به نظر نمی‌رسد جرمی از نقض آن حاصل شود؛ لکن با دقت در عنوان یاد شده که همانا حق مصون بودن از تبعیض در نظام‌ها، فرآیندها و تصمیمات اداری است محرز می‌شود که فرآیندها و تصمیمات اداری اغلب در اثر نقض قانون و تمایل برخی کارکنان به منفعت‌گرایی در مسلخ رشاء و ارتشاء قربانی می‌شوند و به‌طور فزاینده و حتی آشکار حقوق شهروندان به مخاطره می‌افتد. بنابراین ضرورت دارد هم از طریق ضمانت اجراهای کیفری و هم اداری با مرتکبین برخورد شود.

۴-۵. حق دسترسی آسان و سریع به خدمات اداری

آنچه در همه متون حقوقی به عنوان حق و دعوی ممانعت از حق مطرح می‌شود، به حوزه املاک و حقوق انتفاعی و ارتفاقی بر می‌گردد؛ حال آنکه در حوزه حقوق اداری منظور این است. دستگاه‌های اجرایی باید نهایت تلاش خود را به کارگیرند تا دسترسی مردم به خدمات آنها به طریق غیرحضوری و یا استفاده از خدمات دولت الکترونیک و به‌طور کلی ابزارها و فناوری‌های نوین انجام گیرد. تضمین کیفیت این دسترسی از نظر سرعت، امنیت و پایین بودن هزینه با دستگاه مربوط خواهد بود.

در واقع بر تجمیع فرآیندها، خدمات الکترونیک، رعایت ساعت کاری، بررسی و بازنگری مکرر فرآیندهای ارائه خدمت خود، نسبت به روان‌سازی و حذف رویه‌های زاید یا مخل در خدمت‌رسانی مطلوب به مردم و ... از جمله مواردی است که موجب تضمین حق دسترسی آسان و سریع به خدمات اداری می‌شود. حال اگر فضای دسترسی آسان فراهم نباشد؛ به نظر می‌رسد موضوع در حیطه تخلفات اداری و مطالبه مسئولیت مدنی جای گیرد و برای این موضوع جرم‌انگاری نشده است.

۵-۵. حق حفظ و رعایت حریم خصوصی همه افراد

در میان جنبه‌های مختلف امنیت، امنیت حریم خصوصی از اهمیت بسزایی برخوردار است، به‌نجوی که می‌توان امنیت فرد خانواده و جامعه را در گرو حفظ حریم خصوصی اشخاص دانست. حریم خصوصی متضمن پناهگاه امن و محفوظی است که مردم را از بازرسی دقیق و نكوهش بار در امان می‌دارد. قانون جدید آیین دادرسی کیفری به عنوان قانون تضمین‌کننده حقوق و آزادی‌های افراد، این جنبه از امنیت را در متن قانون خود گنجانده است که می‌تواند تأمین حقوق شهروندی را نیز به‌دنبال داشته باشد. (صادقی، ۱۳۹۶: ۵۶)

جایگاه حریم خصوصی در قوانین بسیار حساس است و هرگونه تجسس در امور دیگران ممنوع است. قوانین عادی در ایران نیز ممنوعیت‌های تجاوز به حریم خصوصی افراد را منعکس می‌سازد. در ماده یکصد

و پنجاهم قانون آیین دادرسی کیفری به ممنوعیت کنترل مخابراتی افراد اشاره دارد و از ماده یکصد و سی و هفتم شرایط و قیود تفتیش منازل، اماکن بسته و بازرسی اشیاء تشریح شده است. در قانون مجازات اسلامی مواد ۵۷۰ تا ۶۹۱، مجازات ناقضان حریم خصوصی شهروندان را مشخص نموده است.

در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی در خصوص شنود تلفنی و مراسلات شخصی که در بند ۵ ماده ۷ حقوق شهروندی نیز مورد اشاره قرار گرفته به صورت واضح ماده ۵۸۲ اشعار می‌دارد:

«هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی، مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی اشخاص را در غیر مواردی که قانون اجازه داده حسب مورد مفتوح یا توقیف یا معدوم یا بازرسی یا ضبط یا استراق سمع نماید یا بدون اجازه صاحبان آنها مطالب آنها را افشاء نماید به حبس از یک سال تا سه سال و یا جزای نقدی از شش تا هیجده میلیون ریال محکوم خواهد شد».

در دیگر مجموعه قوانین از جمله قانون جرائم رایانه‌ای، هرگونه شنود غیرمجاز رایانه‌ای یا مخابراتی ارتباطات غیر عمومی مستوجب مجازات‌هایی چون حبس و جریمه نقدی دانسته شده است.

باید گفت ماده ۷ مصوبه حقوق شهروندی در نظام اداری و ۷ بند ذیل آن جزء مواردی است که بسیار ضمانت اجراهای متقنی از نظر کیفری دارد. از جمله بند ۴ ذیل ماده یاد شده که اعلام می‌دارد: «دستگاه‌های اجرایی باید تدابیر ضروری جهت پیشگیری از مفقود شدن، افشا یا سوء استفاده از اطلاعات افراد، که به مناسبت وظایف و اختیارات خود از آنها مطلع شده‌اند را اتخاذ کنند».

در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مواد ۵۴۴ و ۵۴۵ را می‌توان بر ضمانت کیفری این بند تطبیق داد. به موجب ماده ۵۴۴ قانون یادشده، هر گاه بعضی یا کل نوشته‌ها یا اسناد یا اوراق یا دفاتر یا مطالبی که در دفاتر ثبت و ضبط دولتی مندرج یا در اماکن دولتی محفوظ یا نزد اشخاصی که رسماً مأمور حفظ آنها هستند سپرده شده باشد، ربوده یا تخریب یا بر خلاف مقررات معدوم شود دفتردار و مباشر ثبت و ضبط اسناد مذکور و سایر اشخاص که به واسطه اهمال آنها جرم مذکور وقوع یافته است، به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهند شد. برابر ماده ۵۴۵ قانون مزبور مرتکبین هر یک از انواع و اقسام جرم‌های مشروح در ماده فوق به حبس از سه تا شش سال محکوم خواهند گردید و اگر امانت‌دار یا مستحفظ مرتکب یکی از جرائم فوق‌الذکر شود به سه تا ده سال حبس محکوم خواهد شد.

۶-۵. حق آگاهی به موقع از تصمیمات اداری و دسترسی به اطلاعات مورد نیاز

این موضوع از سال ۱۳۸۸ موجب وضع قانونی با عنوان قانون «انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» شده است که در فصل ششم از آن برای متخلفین مجازات‌هایی را در نظر گرفته است. ماده ۲۱ قانون مزبور

ضمانت اجراهای کیفری حقوق شهروندی در نظام اداری جمهوری اسلامی ایران ۶۷

مقرر می‌دارد: هر شخصی اعم از حقیقی یا حقوقی که در نتیجه انتشار اطلاعات غیرواقعی درباره او به منافع مادی و معنوی وی صدمه وارد شده است حق دارد تا اطلاعات مذکور را تکذیب کند یا توضیحاتی درباره آنها ارائه دهد و مطابق با قواعد عمومی مسؤلیت مدنی جبران خسارت‌های وارد شده را مطالبه نماید. تبصره ماده مزبور در تکمیل آن اشعار داشته است که در صورت انتشار اطلاعات واقعی بر خلاف مفاد این قانون، اشخاص حقیقی و حقوقی حق دارند که مطابق قواعد عمومی مسؤلیت‌های مدنی، جبران خسارت‌های وارد شده را مطالبه نمایند.

در ماده ۲۲ قانون یادشده، برای مرتکب اعمال زیر مجازات در نظر گرفته شده است:

الف. ممانعت از دسترسی به اطلاعات برخلاف مقررات این قانون.

ب. هر فعل یا ترک فعلی که مانع انجام وظیفه کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات یا وظیفه

اطلاع‌رسانی مؤسسات عمومی برخلاف مقررات این قانون شود.

ج. امحاء جزئی یا کلی اطلاعات بدون داشتن اختیار قانونی.

۷-۵. حق اظهار نظر آزاد در مورد تصمیمات اداری

اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۱۹ اعلام می‌دارد: «هر فردی حق آزادی عقیده و بیان دارد و این حق مستلزم آن است که کسی از داشتن عقاید خود بیم و نگرانی نداشته باشد و در کسب و دریافت و انتشار اطلاعات و افکار، به تمام وسایل ممکن بیان و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد». در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی دو نوع محدودیت بر این حق مورد اشاره قرار گرفته است:

الف. احترام به حقوق یا حیثیت دیگران

ب. حفظ امنیت یا نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در دو اصل ۲۳ و ۲۴ به این حق اشاره شده است: برابر اصل

۲۳: «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد». البته در این اصل به آزادی بیان به صورت مستقیم اشاره‌ای نشده است، اما مشخص است که زمانی می‌توان آزادی عقیده داشت که بتوان آن عقیده را ابراز کرد.

به موجب اصل ۲۴: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه فعل به مبانی اسلام یا

حقوق عمومی باشد؛ تفصیل آن را قانون معین می‌کند». در این اصل به همه اشکال آزادی بیان اشاره نشده و فقط نشریات و مطبوعات به عنوان شکلی از اشکال آن آورده شده است. در راستای محدودیت آزادی بیان نیز به مبانی اسلام و حقوق عمومی اشاره شده که هر دو واژه بسیار کلی است و مصادیق متعددی را در بر می‌گیرد. در هر حال بر اساس اسناد حقوق بشری، عرف بین‌المللی، آموزه‌های اسلامی و

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان از حقوق اساسی مردم است که باید مورد حمایت و محافظت قرار گرفته و تنها بر اساس ضرورت و قانون محدود شود. به نظر می‌رسد ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) ضمانت اجرای کیفری حق یاد شده است. به موجب ماده مزبور «هر یک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید، علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد».

۵-۸. حق مصون بودن از شروط اجحاف‌آمیز در قراردادهای اداری

به دلیل پیشبرد منافع عمومی، دستگاه‌های دولتی قراردادهایی را با افراد و شرکت‌های خصوصی منعقد می‌کنند. یک قرارداد باید متعادل باشد، اگر اصولی از قبیل قانون‌مداری و شفافیت نباشد، از محل قراردادهای به‌راحتی می‌توان حقوق شهروندان را تضییع کرد. از این رو مواد ۵۹۸ تا ۶۰۶ قانون مجازات اسلامی به این موضوع اشاره دارد.

حسب مواد نه گانه مذکور، همه اعمال یاد شده در این مواد، جرم انگاری گردیده و برای آنها مجازات تعیین شده است که برخی از مواد به روشنی در مورد قراردادهای اجحاف‌آمیز اشاره نموده است. به برخی از این مواد برای نمونه می‌توان اشاره کرد:

اشخاصی که عهده‌دار انجام معامله یا ساختن چیزی یا نظارت در ساختن یا امر به ساختن آن برای هر یک از ادارات ... بوده و... بیش از حد متعارف مورد معامله یا تقلب در ساختن آن چیز نفعی برای خود یا دیگری تحصیل کند، علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از شش ماه تا پنج سال محکوم خواهد شد. (مستند به ماده ۵۹۹ ق.ا.م.ا)

هر یک از کارمندان و کارکنان و اشخاص، عهده‌دار وظیفه مدیریت و سرپرستی در وزارتخانه‌ها و ادارات و سازمان‌های مذکور در ماده (۵۹۸) که بالمباشره یا به واسطه در معاملات و مزایده‌ها و مناقصه‌ها و تشخیصات و امتیازات مربوط به دستگاه متبوع، تحت هر عنوانی اعم از کمیسیون یا حق‌الزحمه و حق‌العمل یا پاداش برای خود یا دیگری نفعی در داخل یا خارج کشور از طریق توافق یا تفاهم یا ترتیبات خاص یا سایر اشخاص یا نمایندگان و شعب آنها منظور دارد یا بدون مأموریت از طرف دستگاه متبوعه بر عهده آن چیزی بخرد یا بسازد یا در موقع پرداخت وجوهی که حسب وظیفه به عهده او بوده یا تفریح حسابی که باید بعمل آورد برای خود یا دیگری نفعی منظور دارد به تأدیه دو برابر وجوه و منافع حاصله از این طریق محکوم می‌شود و در صورتی که عمل وی موجب تغییر در مقدار یا کیفیت مورد معامله یا افزایش

ضمانت اجراهای کیفری حقوق شهروندی در نظام اداری جمهوری اسلامی ایران ۶۹

قیمت تمام شده آن گردد به حبس از شش ماه تا پنج سال و یا مجازات نقدی از سه تا سی میلیون ریال نیز محکوم خواهد شد. (ماده ۶۰۳ ق.م.ا).

با توجه به اوصاف بالا و مستند به مصوبه حقوق شهروندی در نظام اداری، دولت به صرف اقتدار خود نمی‌تواند شهروندان را به انجام یا عدم انجام کاری متعهد می‌سازد که پیش از انعقاد قرارداد هیچ فرصتی برای آگاه شدن از مفاد آن شرط نداشته است یا شروطی را در متن قرارداد خود بگنجانند که طرف مقابل به دلیل کهولت سن، بیماری، ناتوانی ذهنی، فشارهای روانی، کم‌سوادی، بی‌سوادی یا جهل نسبت به امور مرتبط، از ارزیابی مفاد یا آثار آن ناتوان باشد.

در همه موارد یاد شده علاوه بر اینکه افراد حق شکایت دارند، امور قراردادهای و یا عناوین مشابه در دستگاه‌های مشمول را مکلف کرده تا نسبت به بازبینی و اصلاح فرم قراردادهای خود اقدام نمایند.

۹-۵. حق اشخاص توانخواه در برخورداری از امتیازات خاص قانونی

حقوق اشخاص توانخواه علاوه بر اینکه امری اخلاقی است در چند مورد خاص مدنظر قانون نیز قرار گرفته و در صورت تضییع حقوق آنان، جرم‌انگاری نیز از سوی مقنن انجام شده است.

قانون حمایت از معلولان که تقریباً در همه جنبه‌های زندگی آنان نگاه حمایتی داشته در دو ماده ۵ و ۱۵ مجازات‌های قانونی را اعلام نموده است.

به موجب ماده قانون یادشده، «وزارتخانه‌های راه و شهرسازی و کشور و شهرداری‌ها مکلفند حسب مورد نسبت به مناسب‌سازی و دسترس‌پذیری کلیه پایانه‌ها و... عمومی برای دسترسی منطبق با قوانین داخلی و استانداردهای بین‌المللی افراد دارای معلولیت اقدام کنند و امکان بهره‌مندی این افراد (توانخواهان) را از ناوگان حمل و نقل ... فراهم نمایند و کارکنان خود را جهت همیاری عملی و صحیح با مسافران دارای معلولیت آموزش دهند.

متخلفان از عدم رعایت این ماده حسب مورد به مجازات‌های تعزیری جزای نقدی درجه پنج تا هشت موضوع ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و انفصال موقت یا دائم از خدمات عمومی، تنزل مقام و یا محرومیت از انتصاب به پست‌های حساس مدیریتی و یا اخراج از نهاد یا سازمان متبوع محکوم می‌شوند». (تبصره دو از ماده ۵ قانون حمایت از معلولان)

برابر ماده ۱۵ قانون حمایت از معلولان: «دولت مکلف است حداقل سه درصد از مجوزهای استخدامی دستگاه‌های دولتی و عمومی ... که از بودجه عمومی کشور استفاده می‌نمایند... را به افراد دارای معلولیت واجد شرایط اختصاص دهد».

«بالاترین مسئول دستگاه‌های اجرایی، نهادهای عمومی غیردولتی، شهرداری‌ها و بانک‌ها مکلف به اجرای دقیق مفاد این ماده می‌باشند. متخلفان حسب مورد با حکم مراجع ذی صلاح به مجازات تخریبی جزای نقدی درجه پنج تا هشت موضوع ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به انفصال دائم یا موقت از خدمات عمومی، تنزل مقام و یا محرومیت از انتصاب به پست‌های حساس و مدیریتی و یا اخراج از نهاد یا سازمان متبوع محکوم می‌شوند». (تبصره دو از ماده ۱۵ قانون حمایت از معلولان)

۱۰ - ۵. حق رسیدگی به موقع و منصفانه به شکایات

اصول سی و دوم تا سی و نهم قانون اساسی مربوط به امنیت قضایی است. در اصل ۳۴ آمده است. دادخواهی حق مسلم هر فرد ایرانی است و هرکس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. حق رسیدگی به موقع و منصفانه به شکایات و اعتراضات، مانند همه موارد قبلی محل بحث و اختلاف نظر است. این حق از سوی حاکمیت برای مردم به رسمیت شناخته شده و مبنای قانونی آن در قانون اساسی و قوانین عادی واضح می‌باشد. حال اگر در نظام اداری، فردی از نحوه رسیدگی شاکی بود و به دنبال طرح شکایت باشد، این اقدام به آگاهی و تصمیم خود فرد بستگی دارد. در واقع این حق بیشتر ناظر بر راهنمایی شهروندان برای طی فرآیند احقاق حق می‌باشد و به طور مستقیم متوجه دستگاه اداری نیست. چنانچه در اداره دولتی، بخشی برای طرح شکایات مردمی نباشد یک ضعف اداری است. به هر حال این مورد اخیر وابسته به ضمانت اجراهای اداری است و در رتبه ارزشیابی و عملکرد دستگاه تأثیر گذار است. هر چند در این مورد در متن مصوبه حقوق شهروندی اشاره شده حتی‌الامکان ادارات ساز و کار مناسبی در نظر بگیرند تا شکایات از حوزه اداری در محل همان ادارات مورد رسیدگی قرار گیرد و نیاز به طرح آن در خارج از دستگاه اداری نباشد.

۱۱-۵. حق جبران خسارات وارده در دستگاه‌های اجرایی

عبارت «خسارت» منصرف از امور کیفری است و واقعیت این است که برخی جرائم دو وجه کیفری و حقوقی دارند. هم مجازات کیفری در انتظار فرد مجرم است هم به لحاظ ورود ضرر و زیان باید از عهده خسارات وارده برآیند.

بند ۱۱ از ماده دوم مصوبه حقوق شهروندی در نظام اداری به یک اصل مدرن حقوقی اشاره دارد که دولت‌ها در دوران معاصر، دولت‌های مصون نیستند، بلکه دولت‌های مسئول هستند و باید در قبال خسارات وارده پاسخگو باشند. اگر چه بند ۱۱ رویکرد کیفری ندارد اما با قاطعیت در حوزه مسئولیت مدنی مینا قرار می‌گیرد و موسع بودن دایره خسارات در امور اجرائی موجبی است که مسئولیت مدنی دولت را در تضمین حقوق شهروندان باید به صورت پژوهشی جداگانه مورد توجه محققین قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

حقوق شهروندی، مجموعه‌ای از حقوق و آزادی‌های بنیادین است که تبلور مصادیق آن را در سندی به نام منشور حقوق شهروندی می‌توان شناسایی کرد. حقوق شهروندی دربردارنده حقوق و تکالیف متعدد و متقابل دولت در مقابل مردم است و منشور حقوق شهروندی با ادبیاتی شفاف و واضح سعی دارد مصادیق متعدد این حقوق و تکالیف را برای ساری و جاری شدن در روابط بین دولت و ملت بیان کند. با وجودی که امروزه منشور حقوق شهروندی برای همگان شناخته شده است، ولی همچنان در ماهیت و جایگاه این سند در بین سایر اسناد و هنجارهای حقوقی جمهوری اسلامی ایران، اختلاف است. با این حال منشور حقوق شهروندی قالب خاص قانون یعنی مصوبه قوه قانون‌گذار را ندارد. قوه مجریه در اولین اقدام در جهت اجرایی شدن منشور حقوق شهروندی، با تصویب نامه شورای عالی اداری، تکالیف متعددی را برای دولت و کارکنان دولت وضع کرده، مصادیق حقوق شهروندی در نظام اداری به‌طور خاص به یازده عنوانی بر می‌گردد که در ماده دوم از مصوبه یاد شده ذکر شده است. در نظام کیفری به صراحت در برابر این یازده مصداق، تضمین کیفری ذکر نشده است، اما در سند امنیت قضایی ابلاغی رئیس قوه قضائیه که مهرماه ۹۹ ابلاغ شده به صراحت بر اصول بنیادی حقوق افراد تاکید شده است و از اهداف این سند اطمینان از عدم تضییع حقوق شهروندان و آرامش خاطر آنان ذکر شده است. با بررسی و تدقیق در مفاهیم ماده ۲ تصویب‌نامه از یک طرف و مطالعات مختلف در قوانین جزائی از طرف دیگر می‌توان ضمانت اجراهای کیفری را کشف و شفاف کرد. اگر چه باید دانست اصل مضیق بودن قوانین کیفری هم قابل ملاحظه است و توسعه و تشریح جرائم به هیچ روی پسندیده نیست.

گفتنی است تضمینات حقوق شهروندی بر پایه اصول دادرسی عادلانه در سیستم کیفری در سال‌های اخیر بسیار مورد توجه بوده است. اصل برائت، تساوی افراد در برابر دادگاه، محاکمه منصفانه و علنی در دادگاه صالح، مستقل و بی‌طرف، اصل قانونی بودن جرم و مجازات، منع شکنجه، مستند بودن حکم به قانون، حق داشتن وکیل و رعایت حریم خصوصی و... مترقی‌ترین اصول دادرسی و از جلوه‌های ضمانت از حقوق شهروندان است.

فهرست منابع

الف) کتاب‌ها و پایان‌نامه‌ها

۱. بی‌پروا، امیر (۱۳۹۷)؛ رسانه، حقوق بشر و شهروندی در عصر جهانی شدن، تهران: نشر میزان
۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۷)؛ مقدمه عمومی علم حقوق، تهران: گنج دانش
۳. حیاتی، عباسعلی (۱۳۹۶)؛ مقدمه علم حقوق، چاپ سیزدهم، تهران: نشر میزان
۴. راسخ، محمد (۱۳۸۸)؛ نظارت و تعادل در نظام حقوق اساسی، تهران: انتشارات دراک
۵. زادعیسی، زهرا (۱۳۸۸)؛ سلسله مراتب هنجارهای در نظم حقوقی ایران؛ پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز
۶. ساعی ارسنی، ایرج (۱۳۹۱)؛ آموزش مطالعات اجتماعی در دوره ابتدایی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات بهمن برنا
۷. سهراب زاده، مهران، زراعت، عباس (۱۳۹۵)؛ حقوق شهروندی، تهران، اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری.
۸. سلیمی‌بنی، امید (۱۳۹۷)؛ وضعیت حقوق بشر و شهروند در جمهوری اسلامی ایران، تهران: هوشمند تدبیر
۹. صادقی‌مقدم، محمدحسن و نادر میرزاده کوهشاهی (۱۳۹۶)؛ آیین رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان دولت، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران
۱۰. عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۵)؛ بنیادهای علم سیاست، چاپ چهاردهم، تهران: نشر نی
۱۱. فالکس، کیت (۱۳۸۱)؛ شهروندی، مترجم محمدتقی دلفروز، تهران: نشر کویر
۱۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۰)؛ مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظم حقوقی ایران، چاپ بیست و هشتم، تهران: شرکت سهامی انتشار
۱۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰)؛ فلسفه حقوق، تهران: شرکت سهامی انتشار
۱۴. کریمی، عباس و غلامرضا کامیار (۱۳۹۶)؛ حقوق شهروندی در قلمرو شهرنشینی، تهران: نشر دادگستر
۱۵. محمودی، جواد (۱۳۹۰)؛ بررسی تحلیلی دادرسی اداری در حقوق ایران، تهران: انتشارات جنگل
۱۶. میرحسینی، سیدحسن و محمود عباسی (۱۳۷۸)؛ حقوق و تخلفات اداری، تهران: انتشارات حقوقی
۱۷. هداوند، مهدی و علی مشهدی (۱۳۸۹)؛ اصول حقوق اداری (درپرتو آرای دیوان عدالت اداری)، تهران: انتشارات خرسندی.

ب) مقالات

۱. آشوری، محمد، (۱۳۷۲)، "اصل براءت و آثار آن در امور کیفری"، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۲۹، سال ۷۲، صص ۵۷-۳۹.
۲. ترنر، برایان، اس (۱۳۸۶)، "مفهوم شهروندی"، ترجمه جواد کارگزاری، مجله حقوقی دادگستری؛ شماره ۵۸، صص ۱۷۲-۱۵۳
۳. بیرانوند، رضا، سعید محمد آبی، (۱۳۹۰)، "نقش و تکالیف پلیس راهنمایی و رانندگی در رعایت حقوق شهروندی رانندگان"، فصلنامه مطالعات مدیریت ترافیک؛ شماره ۲۱، صص ۵۲-۳
۴. حسین آبادی، مصطفی و علی اکبر تقوایی (۱۳۸۸)، "آموزش شهروندی و رویکرد محله محور: نقش نهادها و ارکان محله‌ای در آموزش حقوق شهروندی"، مجله هنر و معماری؛ مسکن و محیط روستا؛ شماره، ۱۲۵، صص ۹۷-۸۸
۵. خالقی، علی، (۱۳۸۳)، "علنی بودن دادرسی در پرتو اسناد بین المللی و حقوق داخلی"، پژوهش‌های حقوقی، ۳ (۵)، ۴۹-۲۹.
۶. داداندیش، پروین، علی امینی احمدآباد و شهرزاد کنعانیان (۱۳۹۲)، "چالش‌های تدوین منشور حقوق شهروندی در ایران"، فصلنامه راهبرد، سال بیست و دوم، شماره ۶۸، پاییز صص ۲۸۷-۲۵۵
۷. درویشی، بابک و امیرعلی زینالی (۱۳۹۳)، "ماهیت ضمانت اجراهای اداری در نظام حقوقی ایران؛ فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز، دوره ۷، شماره ۲۵، صص ۷۴-۳۶
۸. روشن، محمد، رضا بیرانوند و حسین یار احمدی، (۱۳۹۳)، "حقوق شهروندی، پیشینه و جایگاه آن در مناسبات پلیس"، مجله بصیرت و تربیت اسلامی، سال یازدهم ش ۳۰ صص ۱۳۸-۱۱۱.
۹. زراعت، عباس، نعمت الهی، میثم، (۱۳۹۵)، "جلوه‌های الزامات اخلاقی شهروندان در حقوق کیفری ایران"، پژوهش‌های اخلاقی، سال نهم. ش ۱. صص ۲۴-۴.
۱۰. سلیمی، علی (۱۳۹۶)، "بررسی اصول و مبانی حقوق شهروندی در نظام اداری ایران"، مجله بین‌المللی پژوهش ملل، دوره سوم، شماره ۲۷، اسفند، صص ۸۳-۶۷
۱۱. سلیمی‌بنی، امید (۱۳۹۵)، "جایگاه منشور حقوق شهروندی در سلسله مراتب هنجارهای حقوقی ایران؛ مقالات کنفرانس بین‌المللی حقوق شهروندی، آبانماه، تهران: مرکز اسناد کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
۱۲. شریف، محمد (۱۳۸۱)، "تأملی در باب جایگاه شورای عالی اداری و مرتبه مصوبات آن؛ پژوهش‌های حقوقی، شماره ۱، صص ۷۴-۵۹

۱۳. صادقی، فرهاد (۱۳۹۶)، "امنیت حریم خصوصی در پرتو قانون آیین دادرسی کیفری جدید، جهت تأمین حقوق شهروندی"، اولین همایش بین المللی فقه و حقوق، وکالت و علوم اجتماعی، همدان، دبیرخانه دایمی کنفرانس.
۱۴. علیدوستی، ناصر (۱۳۸۸)، "پلیس و آموزش حقوق شهروندی"، فصلنامه مطالعات راهبردی دوره ۲- صص ۴۷-۷۱
۱۵. عباسی، مصطفی و عاطفه لرکجوری (۱۳۹۸)، "بررسی جایگاه حقوق شهروندی در نظام کیفری ایران"، سومین کنفرانس ملی نقش مدیریت در چشم انداز ۱۴۰۴، رشت، سازمان بسیج مهندسی صنعتی استان گیلان.
۱۶. فلاحزاده، علی محمد (۱۳۸۶)، "نسبت حقوق شهروندی و حقوق بشر"، مجله حقوقی دادگستری، تهران: اداره مطالعات و پژوهش ستاد حقوق بشر قوه قضاییه، شماره ۵۸، صص ۶۴-۴۷
۱۷. میرزاده کوهشاهی، نادر (۱۳۹۲)، "آسیب شناسی حقوقی نقش مدیران در رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان"، فصلنامه حقوق اداری، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۱۴-۸۱.
۱۸. هزارجریبی، جعفر و ابولفضل امانیان (۱۳۹۰)، "آگاهی زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن"، مجله مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه‌ای، سال سوم، شماره نهم، صص ۱-۱۸.

ج) منابع مرجع

۱. قانون اساسی
۲. منشور حقوق شهروندی مصوب ۱۳۹۵
۳. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲
۴. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
۵. تصویب نامه حقوق شهروندی در نظام اداری مصوب ۱۳۹۵
۶. فرمان هشت ماده‌ای سال ۱۳۶۱ حضرت امام (ره)
۷. قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حقوق فردی مصوب ۱۳۸۳
۸. قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳
۹. مصوبات شورای عالی اداری در زمینه حقوق شهروندی.
۱۰. بخشنامه سال ۱۳۸۳ رئیس قوه قضائیه

ضمانت اجراهای کیفی حقوق شهروندی در نظام اداری جمهوری اسلامی ایران ۷۵

(د) منابع غیر فارسی

Schlangen, Walter; (1973); Demokratie und bürgerliche Gesellschaft, W.Kohlhammer GmbH Verlag, Stuttgart.

Turner, Bryan S. (1994), Postmodern culture; modern citizens, In B. Van Steenbergen (ed.): The Condition of Citizenship.

